



## دور نمایی از زندگی درخشان علمی و معنوی و شخصیت

### علی بن ابراهیم قمی

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد خاتم النبیین و علی آله الطیبین  
الطاهرین

با ستایش و تنزیه ذات اقدس الهی و درود بر پیامبر اسلام، حضرت محمد  
مصطفی صلی الله علیه و آله و اهل بیت طاهرینش و خاتم الاوصیاء امیرالمؤمنین  
علیه السلام و خاتم الاولیاء حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فداء و با آرزوی  
سلامتی و ظهور عاجل آخرین ذخیره الهی، آنکه دنیا را پر از عدل و داد خواهد  
کرد، بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد.

### مقدمه

در جهان امروز، گردآوری مواد اطلاعات، به منظور نگارش و تدوین تراجم و  
بررسی روند شکل گیری مکتب های علمی و تحولات دوره حیات آنها، از مباحث  
مهم برای بازشناسی و هویت تاریخی و فرهنگی هر ملت شمرده می شود، و یکی  
از رشته های سودمند تاریخ است که از روزگار باستان مورد اهتمام محققان و  
عنایت تاریخ نگاران بوده است.

شرح حال و آثار وجودی و سوانح زندگی سلاطین، انبیاء، اولیاء، خلفاء، اصحاب،  
تابعین، فقها، علما، محدثان، مفسران و دیگر طبقات، در پرتو این شاخه از علم  
تاریخ، برای اعصار و قرون بعد آشکار و روشن می شود. بازگوئی سیره و رفتار  
گذشتگان و ارائه چهره های درخشان و تابناک شخصیت های گذشته، و نقل  
بخش هایی از رخدادهای زندگی آنان، در راستای هدفمندی قرآن کریم روش

منطقی است و شیوه‌ای است که قرآن در گزارش‌های تاریخی خود در پیش گرفته است. مسلمانان نیز به پیروی از قرآن مجید در زمینه زندگی و شرح حال شخصیت‌هایی که شایستگی نمونه بودن و اسوه شدن را دارند برای آگاهی نسل‌های بعد ارائه نموده‌اند.

### اولین کتاب تراجم در اسلام

شاید بتوان گفت که در اسلام، نخستین کسی که شرح حال و اسامی رجال را به رشته تحریر در آورده است، عبیدالله بن ابی رافع، کاتب امیرمؤمنان علی (ع) باشد، او در حدود سال چهارم هجری، کتابی با عنوان «تسمیه من شهد مع امیرالمؤمنین الجمل و صفین و نهروان من الصحابه» نام ۱۷۵ تن از یاران رسول خدا را که در رکاب حضرت علی (ع) جنگیده‌اند، گردآورده است.<sup>۱</sup> کم‌کم و به مرور زمان، به پیروی از این روش کتاب‌های تراجم و رجال رواج پیدا کردند، هم‌اکنون این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مقاله حاضر کوششی برای ارائه شرح حال و زندگی و آثار محدث و مفسر بزرگوار، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی است و ابراهیم نخستین کسی است که حدیث کوفیان را به قم آورد و پایه‌های فرهنگ و عقاید تشیع را در قم محکم نمود و اهل قم بر احادیث او اعتماد کردند. به شهادت تاریخ، از زمانی که قم به صورت شهر درآمد، مردم قم با مذهب تشیع رابطه تنگاتنگ داشته و در ترویج فرهنگ و عقاید و تربیت جامعه و اشاعه مذهب تشیع بسیار مؤثر و جدی بوده‌اند که در ذیل به آن اشاره خواهد شد.

۱. الذریعه؛ آقا بزرگ طهرانی؛ ج ۱۰، ص ۸۴. شرح مفصل این کتاب را به کتاب شکوه فقاہت یادنامه زندگی آیت الله بروجردی، ص ۳۴۹ به بعد آمده است.

## قم در گذرگاه تاریخ

ایران اسلامی، کشوری پهناور با قدمتی چندین هزار ساله، که دارای شهرها و نواحی بسیار است. قم از شهرهای کهن ایران است که در لسان جغرافی دانان و مورّخین قدیم جزو بلاد جبل می باشد.<sup>۱</sup> بنابر گزارش های تاریخی، قم قبل از حمله اسکندر مقدونی به ایران، آباد بوده است و در حمله اسکندر خراب شد. قباد، پدر انوشیروان آن را آباد کرد و نام (ویران آباد گُواد = قباد) بر آن نهادند.<sup>۲</sup> یاقوت حموی، قم را از شهرهای نویناد اسلامی می داند که اثری از ایرانیان در آن یافت نمی شود و می نویسد... (و هی مدینه مستحده اسلامیه لا اثر للاعاجم فیها)<sup>۳</sup> ناحیه قم، مرکّب از هفت قریه بوده، هر قریه نام مخصوص داشته و گُمندان عنوان یکی از آن هفت قریه بوده است. در زمانی که اعراب در قم تسلّط پیدا کردند، بسیاری از کلام و الفاظ فارسی و عربی در هم آمیخته شد و اعراب کلام عجم را غیر صحیح می شمردند، و بدل خواه خود هر گونه تصرف و تغییر در آن می دادند و می گفتند (عجمی فالعب به ما شیئت) این لفظ عجمی است به هر نحو می خواهید با او بازی کنید، لذا آنها گُمندان را، گُم و گُم را معرّب نموده قم نامیدند. فعلاً در صدد توضیح آن نیستیم و از بحث ما خارج است.

درباره نام قم وجوه فراوانی است، همچون دارالایمان، دارالمؤمنین، دارالعباده، دار الموحّدین، دارالعلم و... که تا حدود سی نام و صفت برای این شهر مقدس ذکر شده است.<sup>۴</sup>

۱. منظور از بلاد جبل، رشته کوهی است که از حدود الوند تا دماوند کشیده شده است و شهرهایی مانند همدان، ساوه، اصفهان، لرستان، قم و طهران و ... که در پیچاپیچ این کوه ها قرار دارد بلاد جبل می نامند.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: حسن بن محمد، تاریخ قم، چاپ ۱۳۱۳ ش، ص ۲۴.

۳. معجم البلدان؛ یاقوت بن عبدالله حموی، چاپ ۱۳۷۶ ق، ج ۴، ص ۳۹۸-۳۹۷.

۴. تفصیل بیشتر ر.ک: مجموعه مقالات کنفرانس حضرت معصومه (س)، ج ۱، ص ۷ تا ۱۲ و ج ۲، ص ۳۰۵ تا ۳۱۴ و ذکر اخبار دارالایمان قم، ص ۵۹ تا ۶۶.

معروف‌ترین نام این شهر مقدّس با توجه به روایات ائمه معصومین (ع) قم است و نام قم به همین صورت که امروز تلفظ می‌شود در کلام پیشوایان دین آمده است و می‌فرمایند: سلام الله علی اهل قم و رحمت الله و برکاته... و انّ لنا حرماً و هو بلدة قم، و لولا القمیّون لضاع الدین.<sup>۱</sup> و ده‌ها حدیث دیگر که در بیان عظمت قم و قمی‌ها فرموده‌اند.

### قم و تشیع

جایگاه ممتاز و کم‌نظیر قم، از نظر مذهبی، غیرقابل انکار است و شهر قم همیشه مورد عنایت خاصه ائمه معصومین (س) بوده است. بارگاه ملکوتی و حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه (س) در این شهر قرار دارد، که برای زائر آن بزرگوار فوق‌العاده اجر و ثواب منظور می‌شود و روایات متعدد در فضیلت زیارت آن حضرت در کتب روایی وارد شده است و فرموده‌اند: (من زارها وجبت له الجنة)<sup>۲</sup> اگر چه شیعیان بعد از خلافت ظاهری امام علی (ع)، بسیار مظلوم واقع شدند، و حتی زمانی شیعه بودن جرم به حساب می‌آمد. اما چون عقاید شیعیان از فرهنگی درست و استوار، تحت فرمان ائمه معصومین (ع) برخوردار بود، با داشتن انبوه دشمن و مشکلات و شداید (چنانکه در این عصر هم مشاهده می‌شود) بر حیاتشان ادامه دادند. کشتار بیرحمانه خلفای کار بنی امیه و بنی عباس از شیعیان و مخفی بودن و فرار و دربدری و مهاجرت شیعیان در شهرها و قریه‌ها در آن زمان، خود شاهد این مدّعا است. مهاجرت طایفه اشعری از کوفه و تمکّن آن در قم، نمونه‌یی از آن است. در تاریخ قم آمده است: دوازده پسر از آن سعد بن عبدالله بن سعد بن ملک بن عامر

۱. برای تفصیل بیشتر، ر.ک: بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۵۷، ص ۲۰۷ به بعد.  
۲. درباره فضیلت زیارت آن مختره رجوع شود به بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۵۷، ص ۲۱۲ تا ۲۱۷.

اشعری، راوی و اهل حدیث بوده‌اند، از ابی عبدالله (امام) جعفر بن محمد صادق (ع) و زیاده بر صد مرد از آن فرزندان عبدالله و از فرزندان احوص و از فرزندان سایب بن ملک و از فرزندان نعیم بن سعد، روایت کنندگانند از دیگر ائمه.<sup>۱</sup>

عبدالله را چهارده فرزند ارزنده و ارجمند بود که تحت سرپرستی فقهای کوفه در فقه و حدیث، تربیت یافته و بارها به مدینه سفر نموده و تا سال ۱۱۴ ق، از اشعه انوار حکمت و معرفت امام باقر (ع) برخوردار بودند و پس از رحلت آن بزرگوار هم، تا سالی که به سوی قم روی آوردند، از مخزن معالم و گنجینه معارف و فضائل امام صادق (ع) مستفیض و مستفید بودند و بعضی از آنها در ردیف بزرگ‌ترین صحابی‌ان آن امام به شمار می‌آمدند. این فرزندان که نام‌هایشان آدم، اسحاق، اسماعیل، ادريس، عمران، عیسی، یسع، صلت، مصقله، احمد، محمد، سعد، عامر و خالد بود، پس از هجرت به قم، هر ساله یکی دو تن از آنان به طواف خانه خدا می‌رفتند و در مدینه از محضر امامان شیعه کسب فیض می‌کردند و فقه و حدیث می‌آموختند. آنان، بعد از مراجعت به قم، آنچه در سینه نهفته و به حافظه سپرده بودند، به عنوان بهترین ارمغان به دیگران می‌آموختند. نامبردگان، با فرزندان و عموزادگان خویش، هر یک به دیهی در اطراف قم رفته، مکتبی گشودند و به ارشاد پرداخته، مردم را به آیین اسلام دعوت می‌کردند و همگان را با مقررات شریعت، آشنا می‌ساختند. طولی نکشید که جمع کثیری را به دین مبین اسلام مشرف گردانیدند و در تحکیم مراتب ایمان و اعتقاد تازه مسلمانان کوشیدند و قرآن را به ایشان تعلیم نمودند و احکام دین را تدریس و تفهیم کردند.<sup>۲</sup>

۱. تاریخ قم؛ محمد بن حسن، با تصحیح سید جلال الدین تهرانی، ص ۲۸۷.

۲. فقها و محتثان، نگارنده، قم، ص ۲۸-۲۷.

### عظمت مکتب اشعری

عبدالله، پس از اعزام مبلغان، شخصاً هم وظیفه دینی خویش را به احسن وجه انجام داد و مدرسه فقه و حدیثی، با معنویت و شکوه هر چه بیشتر، در مرکز شهر نوینان قم، تأسیس نمود و به تعلیم عرب مهاجر و ساکنان بومی، قیام کرده، نخستین گردونه درس و بحث روحانیت را به گردش درآورد و بنیان جامعه علمی قم را، بر اساس بسیار متین و استواری بنا نهاد و محدثان و فقهای بسیار دانشمندان ارجمندی تربیت نمود و خود در سال ۱۴۵ هجری در نود و پنج سالگی درگذشت؛ اما یادگارهایی گرانقدر از وی به جا ماند؛ شاگردان ارزنده و زبنده‌ای که هر یک از بزرگ‌ترین اساتید فقه و حدیث، درایت و روایت شمرده می‌شدند.

این شاگردان در پرتو مساعی جمیله و استقصای جزیه‌شان، اخبار و احادیث اهل بیت (ع) را جمع‌آوری و تدوین کردند و به عنوان ارمغان همیشگی برای جامعه شیعه باقی گذاشتند.

در اثر دعوت و زحمت آنان، فلسفه احکام و معارف الهی، از قم به سایر بلاد انتشار یافت و در سایه تبلیغات فراوان و مجاهدات نمایان ایشان، آیین ناتوان تشیع، جان گرفت.

آری! همین فارغ التحصیلان مکتب عبدالله هستند که همگی از مشایخ اجازه و فتوا شناخته شده‌اند. مکتب عبدالله، مانند مصباح درخشان و رخشانی، نور شریعت و روشنایی ولایت را در سراسر این مملکت، پخش کرد و بر کلیه ولایات و ایالات ایران تابیدن گرفت؛ چنان تابشی که اشعه نامتناهی آن، تا این زمان هم جاودان مانده است. بدین سان، مکتب اشعریان، قم را معدن علوم اهل بیت (ع) نمود و آشکده را به دانشکده‌ای تبدیل ساخته، این سرزمین

گبرنشین را به شهری شیعه‌نشین، مبدل کرد، به گونه‌ای که به نام «کوفه صغیر» در لسان اخبار، مشهور گردانید.

### مجمع علمی قم

شهر قم، از زمانی که از صورت دهکده‌های پراکنده خارج گشت و وضع شهری به خود گرفت، تا به امروز، همواره مهد دانش بوده است و در هر قرن هم دانشمندان عالی‌قدر و بزرگواری داشته است که نام نامی و لقب گرامی‌شان برای همیشه زینت بخش صفحات کتب رجال، تراجم و انساب گردیده است. اگر در مقام تحدید جوامع علمی و روحانی قم برآییم، ناچاریم که آن رابه جامعه‌اولی، وسطی و آخری تقسیم نموده، بگوییم که این شهر، در سه دوره، از بزرگ‌ترین و پُرفایده‌ترین مجامع علمی جهان اسلام بوده است که نخستین دوره آن، در قرون اولیه بوده که دارالعلم اسلامی و مرکز ثقل راویان و محدثان امامیه و پایگاه فقها و متکلمان شیعه اثناعشر بوده است؛ یعنی: از نیمه قرن دوم تا کمی بعد از آغاز قرن چهارم. دومین دوره، در عصر صفویه، یعنی از قرن دهم تا دوازدهم بوده و دوره آخری هم در قرن حاضر شروع شده و امید است که برای همیشه ادامه یابد.<sup>۱</sup>

شیعه که در خانه اصلی خودش مدینه، و سپس کوفه اجازه رشد نیافت به قم مهاجرت کرد. ده‌ها تن از صحابی ائمه معصومین (ع) و صدها تن از علما و فقها و محدثان بزرگ شیعه به قم آمده و در این شهر سکونت نمودند. آنها، با فعالیت‌های ستودنی، نسلی محقق و پرکار از شیعیان در قم ایجاد کردند که در قرن سوم هجری انبوهی از آثار شیعی را در زمینه‌های مختلف علوم دینی پدید

---

۱. همان، ص ۳۳-۲۷.

آوردند.<sup>۱</sup> علمای قم به دلیل ارتباط دائم با ائمه (ع) توانستند مجموعه‌هایی از اصول و نصوص ارائه دهند و قم را پایگاه حدیث سازند.

### رشد علمی قم

جوامع علمی قم در عصر ابن بابویه به انتها درجه کمال خویش رسید. نباید تعجب کرد، اگر می‌نویسند در زمان علی بن بابویه در قم دویست هزار محدث وجود داشته است.

از قول مجلسی اول می‌نویسد: در زمان علی بن بابویه در قم دویست هزار محدث وجود داشته است.<sup>۲</sup> این امر ممکن است در طول عمر ابن بابویه بوده باشد. یعنی در آن زمان تمامی اهل قم برای حفظ تشیع به حفظ حدیث می‌پرداختند. شاید بدین جهت باشد که فرمودند: لولا القمیون نصاع الدین<sup>۳</sup> اگر قمی‌ها نبودند دین تباه می‌شد.

### خاندان علی بن ابراهیم

العلماء ورثة الانبياء.

از آنجا که فقها و علما وارثان علوم انبیاء و اوصیاء می‌باشند و معارف و احکام اسلام بوسیله ایشان به شیعیان می‌رسد و در حقیقت کفیل ایتم آل محمد علیهم السلام هستند. در مثل، ستارگان تابناک اطراف شمس نبوت و امامتند که از زحمات و تألیفات ایشان، دین اسلام شیوع و تقویت می‌شود. یکی از شخصیت‌هایی که در ترویج مذهب تشیع در قم سعی و کوشش نموده و خدمات ارزنده و قابل ستایشی انجام داده است ابواسحق ابراهیم بن هاشم قمی

۱. فرهنگ و تمدن اسلامی در قم، محمد رضا پاک، ص ۹۸.

۲. فوائد الرضویه، عباس قمی، ص ۲۸۲.

۳. بحار الانوار؛ ج ۵۷، ص ۲۱۷.



است. از او به عنوان اولین کسی که مکتب حدیثی کوفه را به قم آورد یاد نموده‌اند و متذکر شده‌اند که ملاقات نموده حضرت امام رضا(ع) را. ابراهیم بن هاشم از شاگردان یونس بن عبدالرحمان و او از اصحاب امام رضا(ع) بوده است. ابراهیم دارای دو کتاب به نام‌های (النوادر)<sup>۱</sup> و (قضایای امیرالمؤمنین(ع))<sup>۲</sup> است.

### ابراهیم بن هاشم / ابواسحاق قمی (ق ۲ و ۳)

وی، پدر علی بن ابراهیم، صاحب تفسیر القمی و شاگرد یونس بن عبدالرحمان است. اصل او از کوفه بوده و سپس به قم، نقل مکان کرده است. احتمالاً در عصر امام کاظم(ع) متولد شده است. گفته‌اند که امام رضا(ع) را ملاقات کرده، ولی از ایشان روایتی ندارد، بلکه از امام جواد(ع) روایت کرده است. او اول کسی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد و قمیان بر احادیث او اعتماد کرده‌اند. نام ابراهیم بن هاشم، در اسناد شش هزار و چهارصد و چهارده حدیث قرار دارد و در میان راویان، کسی به این کثرت روایت نیست.<sup>۳</sup> در مورد روایات منقول از ابراهیم بن هاشم، رجوع شود به معجم الرجال خوئی<sup>۴</sup> صاحبان کتب تراجم و رجال بالاتفاق می‌نویسند.

ابراهیم بن هاشم قمی از علمای قرن سوم هجری است که از کوفه به قم آمد و در قم سکونت گزید. او نخستین کسی است که احادیث کوفیین را در قم نشر داد. شیخ طوسی، علامه حلی، نجاشی و دیگر عالمان رجال، او را ستوده‌اند. او از اصحاب امام رضا(ع) شمرده شده و نقش او در دانش حدیث در عصر خویش

۱. الذریعه؛ آقا بزرگ طهرانی؛ ج ۲۴، ص ۳۱۹.

۲. همان؛ ج ۱۷، ص ۱۵۲.

۳. فقها و محدثان قم؛ ابوالفضل عربزاده؛ ص ۵۲، به نقل از رجال ابن داود، رجال طوسی، رجال نجاشی، لسان المیزان و ...

۴. خوئی؛ سید ابوالقاسم، معجم الرجال، چاپ ۱۳۹۰ ق، ج ۱، ص ۲۹۵ تا ۳۸۳.

بی‌بدیل بوده است. بیشتر بزرگان حدیث، بر روایات او اعتماد نموده‌اند و ثقات و منزلت وی چنان است که روایات او از آغاز تاکنون مستند و مرجع علما بوده و هیچ کس او را ضعیف نشمرده است.

جلالت قدرو کثرت علم و روایت و اعتماد قمیان به او و توثیق و عظمت شأن و مشایخ و تلامیذ ابراهیم بن هاشم را صاحب کتاب اعیان الشیعه در کتاب خود آورده است. مراجعه به آن کتاب بسیار مفید خواهد بود.<sup>۱</sup> ابراهیم بن هاشم را فرزندی به نام اسحاق است که از محدثین عصر خود بوده و نام آن بزرگوار در کتاب قاموس الرجال، ج ۱، ص ۴۷۷ و معجم الرجال؛ ج ۳، ص ۳۲ و ۳۳ آمده، همچنین روایاتی در التهذیب، ج ۱، ص ۷۶ و کافی در باب وضو علی بن ابراهیم از برادر بزرگ‌تر از خود روایت می‌کند. یکی دیگر از فرزندان او علی بن ابراهیم است.

### شخصیت علی بن ابراهیم قمی

ابوالحسن علی بن ابراهیم بن هاشم قمی، زنده تا سال (۳۰۷ ق) از عالمان جلیل‌القدر و احیاگران شیعه که در قرن سوم می‌زیسته و آثار متعددی از خود به یادگار گذاشته است. او از محدثان ثقة قمی و محل اعتماد بوده، و در کثرت سماع حدیث امتیاز داشته. کثیر التالیف و از مشایخ ثقة الاسلام کلینی متوفای (۳۲۸ ق) و محمد بن علی ماجیلویه و محمد بن الحسن و حمزة بن محمد العلوی است. تاریخ ولادت و وفات او به طور دقیق مشخص نیست ولی آنچه مسلم است که تا تاریخ فوق می‌زیسته است.<sup>۲</sup>

۱. اعیان الشیعه؛ امین عاملی - سید محسن؛ چاپ رحلی، ج ۲، ص ۲۳۳ تا ۲۳۶ ذیل نام ابراهیم بن هاشم.  
۲. الفهرست؛ شیخ طوسی؛ چاپ ۱۳۸۰ ق، ص ۱۱۵ و اسماعیل پاشا در هدیه العارفین می‌نویست مات فی حدود سنه ۲۸۵. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۹ آورده است. کان حیاً ۳۲۹، شیخ آقا بزرگ،

او آثار گرانقدری از خود به یادگار گذاشته است. التفسیر، الناسخ و المنسوخ، المغازی، الشرایع، قرب الاسناد، المناقب و اختیار القرآن و روایاتش از تصانیف اوست.<sup>۱</sup> ثقة الاسلام کلینی، به دیده احترام بر او می‌نگرد و از او به عنوان شیخ الحدیث، روایات می‌نماید. ابن داود، او را می‌ستاید و می‌نویسد: علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، ثقة فی الحدیث ثبت معتمداً صحیح المذهب<sup>۲</sup> در کتاب میزان الاعتدال آمده است. علی بن ابراهیم، ابوالحسن المحمدی، رافضی، جلد<sup>۳</sup> له تفسیر<sup>۴</sup>. علامه در خلاصه الاقوال می‌نویسد: علی بن ابراهیم بن هاشم القمی، ابوالحسن ثقة فی الحدیث، ثبت معتمداً صحیح المذهب، سمع و اکثر و صنف کتباً و اضره فی وسط عمره.<sup>۵</sup> و می‌نویسد او در وسط عمر نابینا شد. آیه الله خوئی او را توثیق نموده و می‌فرماید: او راوی بیش از هفت هزار روایت است.<sup>۶</sup> روایات او تنها در کتب اربعه به هفت هزار و صد و چهل حدیث می‌رسد که شش هزار و دویست و چهارده مورد از طریق پدرش می‌باشد. علی بن ابراهیم و پدرش ابراهیم قمی در ترویج فرهنگ قرآن و حدیث و نشر آثار معصومین سهم بسزایی داشته و خدمات ارزنده و قابل ستایشی انجام داده‌اند و نوشته‌های فراوانی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی، اعم از فقه، تفسیر، اصول، معارف، مغازی، فضائل و مناقب از خود به یادگار گذاشته‌اند. مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر منسوب به علی بن ابراهیم، تفسیر قمی اشتهار یافته است. البته در انتساب تمام

الذریعه، ج ۴، ص ۳۰۲ کان فی عصر ابی محمد الحسن العسکری و بقی الی ۳۰۷ محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۴۳۷ می‌نویسد حدود (۳۱۰ ق).

۱. الفهرست؛ شیخ طوسی، ص ۱۱۵.

۲. حسن بن علی بن داود حلی، کتاب الرجال، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش، ج ۱، ص ۲۳۷.

۳. بمعنی شیعی، پایدار، استوار و فعال.

۴. محمد بن احمد الذهبی، میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۱۱۱، شماره ۵۷۶۶.

۵. خلاصه الاقوال؛ علامه حلی؛ چاپ ۱۳۸۰ ق، ص ۱۰۰ و نجاشی الرجال، ص ۲۶۰.

۶. معجم الرجال الحدیث؛ سید ابوالقاسم خوئی؛ چاپ اول، ج ۱، ص ۲۰۷، شماره ۷۸۱۸.

تفسیر به او، تردید وجود دارد که باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد و تاکنون چند تن از شخصیت‌ها این کار را نموده‌اند که به نظر می‌رسد این اندازه کافی نیست.

### پژوهشی در تفسیر علی بن ابراهیم

تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی، با مقدمه نسبتاً طولانی آغاز می‌شود که در آن از انواع آیات قرآنی سخن رفته، از جمله ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، خاص و عام، مقدم و مؤخر، آنچه لفظش جمع، ولی مراد از آن مفرد است و بالعکس، یا ماضی است و مراد از آن مستقبل است و بالعکس و ردّ بر زناده و دهریه و برخی از فرق اسلامی و دیدگاه‌های نادرست دیگر و مطالبی از این قبیل آورده است. در این تفسیر سوره حمد و سوره بقره و اوایل سوره آل عمران، منقول از علی بن ابراهیم تفسیر شده و از آنجا تا پایان قرآن، روایات ابوالجارود<sup>۱</sup> و نیز روایات دیگری از کسان دیگر است که انتساب کامل این تفسیر را به علی بن ابراهیم منتفی می‌سازد.<sup>۲</sup> نخستین کسی که تفسیر مذکور را مورد تردید قرار داده و درباره عدم صحت انتساب تمام تفسیر موجود به علی بن ابراهیم سخن گفته، آقا بزرگ طهرانی است که در متن و پاورقی کتاب الذریعه الی تصانیف الشیعه، تحقیق مفصّلی نموده است. او بر این باور است که ابوالفضل العباس بن محمد بن قاسم، شاگرد علی بن ابراهیم که نامش در آغاز تفسیر موجود آمده، همان شخص مدفون در طبرستان (مازندران) باشد. و روایات ابوالجارود راوی مطالبی در تفسیر از امام باقر (ع) و دیگران را از اواسط جلد اول (اوایل سوره آل عمران) در آن تفسیر وارد کرده است.<sup>۳</sup> سپس محققین و مفسّرین به بررسی آن

۱. ابی الجارود، زیاد بن المنذر متوفای ۱۵۰ ق رهبر فرقه جارودیه، زیدی مذهب است.

۲. تفسیر و مفسران؛ محمد هادی معرفت، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. الذریعه؛ آقا بزرگ طهرانی؛ چاپ ۱۳۶۰؛ ج ۴، ص ۳۰۲ تا ۳۰۹ شماره ۱۳۱۶.

پرداختند.<sup>۱</sup> و بعضی‌ها اظهار داشتند که در کتاب تاویل الایات (استرآبادی) و سعد السعود ابن طاوس از تفسیر علی بن ابراهیم مطالب بسیاری نقل شده است که اصلاً در این تفسیر نیست. بنابراین، کتابی است از مؤلفی دیگر، که بیش از همه از تفسیر علی بن ابراهیم بهره گرفته و در آن، از طریق بیش از بیست راوی، روایات بسیاری از کتب و مصادر دیگر آورده است. حجم این دسته از روایات، در نیمه نخست مجلد تفسیر بسیار اندک است و به تدریج افزایش می‌یابد تا بدانجا که در اواخر کتاب تقریباً به اندازه روایات منقول از تفسیر علی بن ابراهیم می‌شود. در تفسیر موجود، معمولاً پس از نقل، از غیر علی بن ابراهیم با آوردن نام علی بن ابراهیم به گونه‌ی صریح یا با ضمیر، بازگشت متن به تفسیر علی بن ابراهیم یادآوری می‌شود، آیت الله العظمی شبیری زنجانی می‌فرماید: با توجه به اینکه اغلب راویان بخش دوم تفسیر، از استادان علی بن حاتم قزوینی زنده در (۳۵۰) بوده‌اند و این ابوالفضل العباس بن محمد بن قاسم که نامش در اول تفسیر علی بن ابراهیم آمده نیز از مشایخ علی بن حاتم است. ممکن است منشاء اشتباه در انتساب کتاب، تبدیل نام علی بن ابی سهل که همان علی بن حاتم است به علی بن ابراهیم به جهت شباهت این دو اسم باشد.<sup>۲</sup> صاحب تفسیر و مفسران می‌نویسد.<sup>۳</sup> روایاتی در این تفسیر وجود دارد، که در میزان اعتبار، وزنی ندارند یا سند آنها ضعیف یا مرسل است، یا مقطوع السند است و مفاد آن با اصول عقاید و مبانی شریعت ناسازگار است و احیاناً با علم و عقل سلیم نیز مخالف است و ساحت قدس بزرگواری چون علی بن ابراهیم قمی از انتساب این گونه اخبار ناهمگون پاک و منزّه است، بعنوان مثال: در تفسیر آیه الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ

۱. از آنهاست؛ آیه الله العظمی، سید موسی شبیری، آیت الله معرفت در تفسیر و مفسران، سید احمد موسوی در کیهان اندیشه، شماره ۳۲ و سید محمد جواد شبیری، در دانش نامه جهان اسلام، ج ۷.

۲. دانشنامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۰۱.

۳. محمد هادی معرفت، تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۴۶۲.

وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً<sup>۱</sup> چنین آمده است: خداوند حوا را از آخرین استخوان‌های دنده آدم آفرید. این مورد در چند جای این تفسیر تکرار شده است.<sup>۲</sup> داستان آفرینش حوا از استخوان دنده آدم، منشاء اسرائیلی دارد که به چنین تفسیرهایی راه یافته است. داستان دو فرشته بابل هاروت و ماروت، نیز ساخته دست یهود است که گفته‌اند: آن دو کافر شدند - العیاذ بالله - و زنا کردند و به پرستش بتان پرداختند و زن زانیه مسخ شده، در آسمان به صورت ستاره در آمد، و اباطیلی از این دست که با عصمت فرشتگان که در قرآن به آن تصریح شده است ناسازگار و در تضاد است.<sup>۳</sup> داستان جن و نسناس که گفته‌اند پیش از انسان آفریده شدند و مایه عبرت و پندآموزی فرشتگان گردیدند.<sup>۴</sup> نیز داستان نامگذاری فرزند آدم و حوا که گفته‌اند آن دو، نام او را عبدالحارث (که می‌گویند نام شیطان است) نهادند، و برای خدا شریک قائل شدند.<sup>۵</sup> همچنین داستان زمین که بر پشت ماهی نهاده شده و آن بر روی آب قرار گرفته و آب هم بر روی صخره و صخره بر روی شاخ گاوی بی مو و گاو بر روی زمین نمناک واقع شده است... و دیگر معلوم نیست.<sup>۶</sup>

همه اینها افسانه‌هایی کهن است که در این تفسیر بدون هیچ دلیل معقولی آورده شده است.

۱. پروردگاری که شما را از نسل واحدی آفرید و جفتش را (نیز) از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده گردانید. نساء / آیه ۱.  
 ۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۴۵ و ص ۱۳۰ و ج ۲، ص ۱۱۵.  
 ۳. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۵۱.  
 ۴. همان، ج ۱، ص ۳۶.  
 ۵. همان، ص ۲۵۱.  
 ۶. همان، ج ۲، ص ۵۸ و ۵۹.

علاوه بر این، مطالبی در آن آمده است که عصمت انبیا و مقام قداست آنان را زیر سؤال می‌برد؛ مثلاً داستان داوود و اوریا، همان طور که در افسانه‌های بنی اسرائیل آمده است در این تفسیر - نیز با کمال تأسف - بازگو شده است.<sup>۱</sup>

داستان زینب بنت جحش نیز - درست همان طور که داستان سراهای عامه بافته‌اند - در اینجا آمده است.<sup>۲</sup> همچنین قصه تردید زکریا و مجازات او به سه روز روزه گرفته و بسته شدن زبان او؛<sup>۳</sup> داستان حجر موسی؛<sup>۴</sup> گرفتاری ایوب و عفونت یافتن بدنش؛<sup>۵</sup> فوت شدن نماز عصر حضرت سلیمان؛<sup>۶</sup> اقدام یوسف در ارتکاب فحشاء؛<sup>۷</sup> و اینکه او بود که خدا را از یاد برد؛<sup>۸</sup> دفن موسی بدون غسل و کفن؛<sup>۹</sup> و سخن او با خدا که اگر بر دشمنانم خشم‌نگیری من دیگر پیامبر تو نیستم؛<sup>۱۰</sup> و از این گونه افسانه‌ها به انبیای بزرگ نسبت داده شده که کاملاً بعید است ائمه (ع) چنین سخنانی را بر زبان جاری ساخته باشند و ساحت آنان از چنین سخنانی پیراسته است.

همچنین در آن سخنانی آمده است که با علم سازش ندارد؛ مثلاً درباره خسوف و کسوف سخنانی بسیار شگفت‌آور و دور از واقع به چشم می‌خورد. در تفسیر آیه «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً»<sup>۱۱</sup> آمده است: از جمله اوقاتی که خداوند مقرر داشته دریایی است که میان آسمان و

۱. همان، ص ۲۳۲ - ۲۳۰.

۲. همان، ص ۱۷۲ و ۱۷۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۱۹۷.

۵. همان، ص ۲۳۹ و ۲۴۰.

۶. همان، ص ۲۳۴.

۷. همان، ج ۱، ص ۳۴۲.

۸. همان، ص ۳۴۴ و ۳۴۵.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۴۶.

۱۰. همان، ص ۱۴۵.

۱۱. و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم، نشانه شب را تیرمگون و نشانه روز را روشنی بخش گردانیدیم. اسراء / آیه ۱۲.

زمین واقع است و خداوند مدار خورشید و ماه و ستارگان و سیارات را در آن قرار داده است؛ سپس تمام آنها را بر چرخه قرار داده و فرشته‌ای را که تحت امر او هفتاد هزار فرشته فلک را می‌چرخانند، بر چرخ مأمور کرده است تا خورشید و ماه و ستارگان و سیارگان (کهکشان‌ها) به فرمان او حرکت کنند و در مدار خود قرار گیرند، ولی اگر گناه بندگان زیاد شود و خداوند بخواهد آنان را با یکی از نشانه‌های قدرت خود مورد عتاب و نکوهش قرار دهد، به فرشته مأمور چرخش آسمان فرمان می‌دهد تا مداری را که خورشید و ماه و ستارگان و کهکشان‌ها در آن قرار دارند از میان بردارد. آن‌گاه آن فرشته، به هفتاد هزار فرشته تحت امر خود فرمان می‌دهد که چرخ را از مدار خود خارج کنند. چون چنین کنند. خورشید به دریا افکنده می‌شود و حرارتش کم شده، نور آن تغییر می‌کند؛ همین کار را با ماه نیز می‌کنند؛ و هر گاه خدا اراده کند که آنها را از دریا خارج سازد و به مدار خودشان برگرداند، به فرشته دستور می‌دهد که چرخ را به مدار خود برگرداند و در این هنگام، خورشید - در حالی که کدر است - از آب خارج می‌شود و ماه نیز چنین حالتی را دارد!

درباره مساحت زمین و خورشید و ماه چنین آمده است: مساحت زمین مسافتی حدود ۵۰۰ سال است. مقدار چهارصد سال خراب غیر آباد و صد سال آباد. مساحت خورشید ۶۰ فرسخ در ۶۰ فرسخ است و مساحت ماه ۴۰ فرسخ در ۴۰ فرسخ!

سوزان‌تر بودن خورشید نسبت به ماه را چنین تعلیل کرده است: خداوند خورشید را از روشنایی آتش و زلالی آب آفرید، یک لایه از این و یک لایه از آن، تا اینکه هفت لایه روی هم قرار گرفت. سپس جامه‌ای از آتش بر آن افکند، لذا خورشید سوزنده‌تر از ماه شد.



سپس دربارهٔ آفرینش ماه آورده است: ماه را از پرتو آتش و زلالی آب آفرید؛ یک لایه از این و یک لایه از آن؛ تا اینکه هفت لایه روی هم قرار گرفت، آنگاه لباسی از آب بر آن افکند؛ لذا ماه از خورشید خنک‌تر گردید.<sup>۱</sup>

همچنین افسانه‌هایی در آن آمده است که با عقل و سرشت سازگاری ندارد؛ مانند داستان مردی که پای او را در هند یا ماورای هند بسته‌اند و تا آخر دنیا خواهد زیست.<sup>۲</sup> یا داستان پادشاه روم و حضور امام حسن (ع) و یزید در نزد او؛ که به محاکمهٔ این دو پرداخت و سؤالات عجیبی مطرح کرد.<sup>۳</sup> یا داستان «عناق» مادر عوج که بیست انگشت دارد و در هر انگشت دو ناخن همچون داس.<sup>۴</sup> یا داستان اسرافیل که هر آسمان را با یک قدم می‌پیماید و پرده‌دار خداوند است.<sup>۵</sup> یا داستان داستان مارمولک که در آتش نمرود می‌دمید و غورباغه در خاموش ساختن آن می‌کوشید.<sup>۶</sup> یا اینکه یاجوج و ماجوج مردم را می‌خورند.<sup>۷</sup>

همچنین گاهی واژه‌ها به اشیا یا اشخاصی تفسیر شده است که هیچ تناسبی بین آن‌ها نیست؛ مثلاً «بعوضه»<sup>۸</sup> و «دابة الارض»<sup>۹</sup> و «ساعت» در آیه «بَلَّ كَذَبُوا بِالسَّاعَةِ»<sup>۱۰</sup> به علی (ع) تفسیر شده و نیز «ورقه» به جنین سقط شده و «حبه» به فرزند<sup>۱۱</sup> و «مشرقین» به پیامبر (ص) و علی (ع) و «مغربین» به امام حسن و امام حسین (ع) و «بحرین» به علی و فاطمه (س) و «برزخ» به رسول خدا (ص) تفسیر

۱. ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۷-۱۴.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۶۶ و ۱۶۷.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۷۲ - ۲۶۹.

۴. همان، ص ۱۳۴.

۵. همان، ص ۲۸.

۶. همان، ص ۷۳.

۷. همان، ص ۷۶.

۸. همان، ج ۱، ص ۳۵.

۹. همان، ج ۲، ص ۱۳۰ و ۱۳۱.

۱۰. فرقان ۲۵: ۱۱. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱۲.

۱۱. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۰۳.

شده،<sup>۱</sup> کما اینکه «ثقلان» در آیه «سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ»<sup>۲</sup> به کتاب و عترت<sup>۳</sup> و «فاحشه» به قیام با شمشیر تفسیر گردیده است.<sup>۴</sup> لذا محققان اظهار داشته‌اند: از این گونه مطالب سست و فاقد اعتبار، نمی‌توان برای شناخت نظریات ائمه (ع) در زمینه تفسیر، به آنها تمسک جست، و آنچه اینک در اختیار ماست، کتاب دیگری است از مؤلف دیگر، با توجه به اینکه این شخص قسمتی از کتاب خود از تفسیر علی بن ابراهیم گرفته است.<sup>۵</sup>

### نتیجه بحث و پیشنهاد

در مجموع نظر محققان پس از تحقیق در این عبارات خلاصه می‌شود.

۱. سید بن طاووس در کتاب سعدالسعود روایاتی از تفسیر علی بن ابراهیم نقل می‌کند که در تفسیر موجود نیست، پس این تفسیر همان تفسیری که سید بن طاووس از او نقل حدیث می‌کند نیست و آن تفسیر بدست ما نرسیده است.
۲. این تفسیر را ابوالفضل العباس بن محمد بن قاسم از تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر ابی الجارود و ... جمع‌آوری کرده و چون از اول تفسیر تا اوایل سوره آل عمران، از تفسیر علی بن ابراهیم آورده به نام تفسیر علی بن ابراهیم مشهور شده است. این کتاب به استثنای خطبه و مقدمه نسبتاً طولانی مجموعه‌یی است که حدود هفتاد و پنج درصد از تفسیر علی بن ابراهیم و پانزده درصد از تفسیر ابوالجارود و ده درصد از روایات متفرقه که مؤلف از مشایخ خود نقل کرده است تشکیل شده است.

۱. همان، ج ۲، ص ۳۴۴.

۲. رحمان ۵۵: ۳۱.

۳. تفسیر قمی، ص ۳۴۵.

۴. همان، ص ۱۹۳.

۵. تفسیر و مفسران، ج ۱، ص ۴۶۳ - ۴۶۴.

۳. این تفسیر از مؤلفی دیگر غیر از علی بن ابراهیم قمی است، که از اول سوره حمد تا آیه ۵۴ آل عمران، از تفسیر علی بن ابراهیم نقل کرده، و در بعضی موارد تفسیر علی بن ابراهیم را با تفاسیر دیگر مقایسه نموده است. گاهی با دو و سه واسطه علی بن ابراهیم از پدرش نقل حدیث می‌کند که آنها زیدی مذهب هستند، و جز در این کتاب تفسیر در هیچ جای دیگر از کتب روایی امامیه، علی بن ابراهیم از آنها نقل حدیث نکرده است و این از علی بن ابراهیم بعید است و نمی‌تواند این تفسیر، تفسیری باشد که مؤلف آن علی بن ابراهیم قمی است.

۴. این تفسیر هم‌اکنون، از دیدگاه محققان جهان تشیع فاقد اعتبار است و از روز نخست نیز مورد توجه بزرگانی همچون کلینی که شاگرد وی محسوب می‌شود، و نیز شیخ طوسی که نزدیک به عصر او (تفسیر تبیان) را نگاشت، قرار نگرفت. در (کافی) حتی یک روایت از این تفسیر نیامده است با آنکه روایات او از علی بن ابراهیم، در تفسیر و فقه فراوان است و شیخ کلینی مستقیماً از وی اخذ کرده، ولی هرگز از این تفسیر بهره نبرده است.

### پیشنهاد

اکنون که بزرگداشت شخصیت علی بن ابراهیم قمی، از طرف آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) و ... برگزار می‌شود و در ایران اسلامی، امکانات نشر و اطلاع رسانی از هر جهت فراهم شده، به خصوص برای کتب مذهبی، و نیز تمام تفسیر تألیف علی بن ابراهیم قمی، بدست ما نرسیده است. آیا بهتر نیست که جمعی از مفسران، فقیهان و دانشمندان بپاخیزند و این تفسیر را بررسی و تحقیق و بازسازی کنند. آنچه مربوط به تفسیر علی بن ابراهیم است و با دین و علم

هم‌آهنگ و با اعتقادات شیعه اثنی عشریه وفق می‌دهد از تفسیر موجود، استخراج نموده بنام فرازی از تفسیر علی بن ابراهیم، یا گزیده از تفسیر ... یا هر عنوان دیگری که مناسب باشد، نام‌گذاری کنند و این تفسیر را احیا نمایند، شاید این پیش‌نهاد بهتر از آن باشد که تمام کتاب را پیش اهل قلم و محققان تشیع فاقد اعتبار بدانیم و آثاری که از علی بن ابراهیم در این کتاب آمده و سخن حق است و ابهامی ندارد، از درجه اعتبار ساقط کنیم، که اگر چشم‌پوشی کنیم و غفلت ورزیم قسمت بزرگی از میراث فرهنگی قرون اولیه اسلام را از دست داده‌ایم.

### **مزار علی بن ابراهیم**

مقبره علی بن ابراهیم در قبرستان بابلان، در قسمت شیخان کوچک بعد از مقبره ابن قولویه واقع شده بود. اکنون که ساختمان‌ها، پاساژها و مغازه‌های جدید توسط شهرداری قم، در قبرستان قدیمی ساخته شده، مزار علی بن ابراهیم، داخل پاساژ مقابل مدرسه آیت الله العظمی گلپایگانی (ره) وسط راهرو واقع گردیده و سنگ مزار قدیمی او را با نرده آهنی جدید، بر روی قبر او نصب کرده‌اند و مشخص است. رحمت الله تعالی علیه.

قم - ابوالفضل عرب‌زاده

۲۲ ذی‌القعدة ۱۴۲۸ - مطابق با ۱۲ آذر ۱۳۸۶